

Original Research

The City of Seleucia is a Symbol of the Influence of Hellenistic Art on the Architecture and Urban Planning of the Seleucid and Parthian Periods in Iran

Javad Choupaniyan¹ & Hasan Esmaeeli²

Received: June 07, 2020; Revised: July 28, 2020; Accepted: August 22, 2020

Abstract

Seleucus Nicator, who came to power in Persia after Alexander's death, built the city of Seleucia in 307 BC on the west bank of the Tigris River, opposite Babylon, where the ancient city of Opis was located. From this time on, the city established its position as the capital of the Seleucids in their eastern occupations. The special geographical location of Seleucia that is being located in Mesopotamia on the Tigris coast and at the intersection of important roads which connected Central Asia and Iran to Anatolia and the Mediterranean coast, as well as the settlement of Greek and non-Greek inhabitants in this city who had skills, artistic, trade and administrative abilities; caused the prosperity and economic prosperity of this city. Moreover, the existence of mint and production workshops and fertile agricultural lands around it, added the importance of this city. At the same time, Seleucia was an autonomous city-state and its political and administrative affairs were in the hands of the city council. How the Iranian socio-political system dealt with the Hellenistic influences resulting from the formation of Greek cities such as Seleucia is considered as the main issue of the present study. This article tries to study the position of this ancient city from the time of its establishment to its decline, relying on first-hand historical sources and archeological documents, while studying the interaction of Hellenic and Iranian civilizations in the process of Seleucid city development and its consequences.

Keywords: Seleucia, Hellenism, History of the city, Seleucids, Parthians.

1. Assistant Prof. in Department of History, University of Sistan and Baluchestan; Zahedan, Iran (Corresponding Author).

Email: choupaniyan@yahoo.com

2. Assistant Prof. in Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Payame Noor; Tehran, Iran.

Email: h.esmaeeli564@gmail.com

شهر سلوکیه نمادی از تاثیر هنر قوم یونانی در معماری و شهر سازی دوره سلوکیه و اشکانیان در ایران

جواد چوپانیان^۱ و حسن اسماعیلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

چکیده

سلوکوس نیکاتور که بعد از مرگ اسکندر در ایران به قدرت رسید، شهر سلوکیه را در سال ۳۰۷ ق.م در جانب غربی رود دجله و در برابر بابل -درمحللی که شهر آپیس باستانی واقع بود- بنا کرد. از این زمان به بعد، شهر مذکور جایگاه خود را به عنوان پایتخت سلوکیان در متصرفات شرقی آنها تثبیت نمود. موقعیت جغرافیایی خاص سلوکیه یعنی قرار گرفتن در بین‌النهرین در ساحل دجله و در تلاقی جاده‌های مهم که آسیای مرکزی و ایران را به آناتولی و سواحل مدیترانه متصل می‌ساخت و نیز استقرار سکنه یونانی و غیر یونانی در این شهر که دارای مهارت و توانمندی‌های اداری و هنری و تجاری بودند، به همراه برخورداری از ضرابخانه و کارگاه‌های تولیدی و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی در پیرامون آن، موجبات رونق و شکوفایی اقتصادی این شهر را فراهم آورده بود. در عین حال، سلوکیه یک دولت شهر و شهری خودگردان به شمار می‌آمد و اختیار امور سیاسی و اداری آن در دست شورای شهر بود. نحوه مواجهه نظام سیاسی اجتماعی ایران با تأثیرات هلنیستی برآمده از شکل‌گیری شهرهای یونانی نشین نظیر سلوکیه به عنوان مسأله اصلی پژوهش حاضر تلقی می‌شود. این مقاله می‌کوشد تا با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی، ضمن مطالعه نحوه تأثیرگذاری متقابل تمدن‌های هلنی و ایرانی در فرایند تکوین شهر سلوکیه و پیامدهای حاصل از آن، جایگاه این شهر باستانی را از زمان تاسیس تا زوال بررسی کند.

واژگان کلیدی: سلوکیه، هلنیسم، تاریخ شهر، سلوکیان، اشکانیان.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و باوچستان؛ زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: choupaniyan@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ تهران، ایران.

Email: h.esmaeli564@gmail.com

مجله مطالعات اجتماعی اقوام، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۷۵-۲۵۹

۱. مقدمه

اسکندر مقدونی پس از غلبه بر شاهنشاهی هخامنشیان جهت تحکیم و تداوم فرمانروایی خویش در مناطق تسخیر شده و همچنین گسترش فرهنگ یونانی در شرق، شهرهایی را تأسیس کرد که در آن شمار زیادی از مقدونیان و یونانیان ساکن شدند. سلوکیان هم این سیاست را ادامه دادند و شهرهای جدیدی در مناطق مختلف جهت مهاجرت و اسکان یونانیان تأسیس کردند. این شهرها بیشتر بر اساس فرهنگ و سنن یونانی ساخته شده بودند و برخلاف شهرهای کلاسیک ایرانی، دارای نهادهای اداری و اجتماعی مخصوص به خود بود که مستقل از حکومت مرکزی عمل می‌کردند. این شهرها همچنین از کانون‌های مهم حفظ و اشاعه فرهنگ یونانی در شرق بودند. بررسی روند شکل‌گیری و ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این شهرها، مخصوصاً اثرات آن در دوره باستان برای شناخت بیشتر تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران می‌تواند حائز اهمیت باشد. همچنین مطالعه نحوه تکوین بنیادهای شهری و چگونگی کارکرد نهادهای آن می‌تواند به شناخت بهتر ابعاد مختلف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی سلوکیه از جمله ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن و نیز فهم ارتباط آن با شورش‌های رخ داده در این شهر کمک بکند.

در این مقاله نحوه مواجهه نظام سیاسی اجتماعی ایران با تأثیرات هلنیستی برآمده از شکل‌گیری شهرهای یونانی‌نشین نظیر سلوکیه به عنوان مسأله اصلی پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله همچنین می‌کوشد تا با تکیه بر منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی، ضمن مطالعه نحوه تأثیرگذاری متقابل تمدن‌های هلنی و ایرانی در فرایند تکوین شهر سلوکیه و پیامدهای حاصل از آن، جایگاه این شهر باستانی را از زمان تأسیس تا زوال آن مورد بررسی قرار دهد. این نوع نظام شهری در دنیای ایران آن زمان سابقه نداشته و بنابراین از لحاظ فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی تأثیر زیادی در زندگی شهری در ادوار خود و پس از آن داشته است. زمانی که اشکانیان در ایران به قدرت رسیدند به خاطر اهمیت اقتصادی و توانایی‌های اداری و هنری سلوکیه، استقلال آن را حفظ کردند ولی به تدریج پس از تثبیت قدرت خویش، در امور داخلی این شهرها دخالت کرده و استقلال آن را از میان بردند.

درباره شهرهای یونانی در ایران همچون سلوکیه، اطلاعات پراکنده‌ای در منابع کلاسیک، تحقیقات جدید و همچنین گزارش‌های باستان‌شناسی موجود است. پرداختن به این موضوع به خاطر کمبود منابع و نیز آشفتگی‌های آن امری دشوار بوده است. در برخی از منابع کلاسیک درباره سلوکیه و یونانیان ساکن در آن و همچنین کارکرد این شهر در دوره سلوکیان و اشکانیان به شکل پراکنده اطلاعاتی موجود است. در منابعی همچون تاسیتوس^۱ در مجموعه معروف *آنال* (۱۹۵۲)، تاریخ روم

1. Tacitus

آپیان^۱ (۱۹۱۲)، تاریخ طبیعی پلینی^۲ (۱۸۵۵)، یوسفوس فلاویوس^۳ (۲۰۰۱)، ایزیدور خاراکسی^۴ (۱۹۱۴) و استرابو، اطلاعات ارزشمندی درباره سلوکیه موجود است. از تحقیقات جدید هم که در این مقاله از آن‌ها استفاده شده می‌توان کتاب *سکه‌های یافته‌شده از سلوکیه دجله مکداول*^۵ (۱۹۳۵)، کتاب مهم *اقتصاد سلطنتی سلوکی‌ها و اقدامات بنیادی امپراتوری سلوکی‌ها* تالیف آپرگیس^۶ و شهرهای ایران در روزگار سلوکیان و اشکانیان پیگولوسکایا نام برد. افزون بر این پژوهش‌ها، مقالات متعددی اخیراً درموضوع سلوکیه به نگارش درآمده است. از آن جمله می‌توان به مقالات برت و فان‌دراسپک^۷، گود بلات^۸، هادلی^۹، کرسٹوف بنج^{۱۰} - که در این تحقیق نیز از آن‌ها استفاده شده - اشاره کرد.

۲. موقعیت جغرافیایی و چگونگی تأسیس سلوکیه

ظهور مراکز عمده شهری در فاصله میان رودهای دجله و فرات در بین‌النهرین حاصل ضرورت زمان بود. برخی از مهمترین این شهرها که در نواحی مجاور هم یکی پس از دیگری بنا شدند، عبارت بودند از بابل، سلوکیه، تیسفون و بغداد. بنای تختگاه جدید سلوکیه دلایل متعددی داشت. یکی از دلایل مذکور ویرانی بخش بزرگی از شهر بابل بود. چنین به نظر می‌رسید که احداث شهر تازه از احیا و تجدید بنای شهرکهنه آسانتر می‌نمود. سرداران اسکندر درصدد مرمت و احیای این شهر و معابد آن برنیامدند. سلوکیه که در نزدیکی بابل بنا شده بود و به صورت مرکز اداری جدیدی درآمد، که بازرگانی و پیشه‌وری را در خود تمرکز داد و زمینه را برای اعتلای مسیر میانی دجله فراهم آورد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۴۷، ۴۵). سلوکیه در حدود ۳۵ کیلومتری جنوب بغداد امروزی واقع بود. سلوکوس نیکاتور این شهر را در ساحل دجله و احتمالاً روی ویرانه‌های شهر اوپیس (Opis) ساخت. سلوکیه که اکنون منطقه‌ای غیرمسکونی و تپه ماهور است، اولین پایتخت سلوکیان بوده است. پس از سال‌ها بررسی و جستجو با توجه به تغییرات مکرر بستر دجله، این شهر در سال ۱۹۲۷ م. شناسایی شد. نام امروزی بقایای شهر سلوکیه به عمیر و کوخه تغییر یافته است (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۵۸). سلوکیه در محل اپیس قدیم در جایی واقع بود که فرات و دجله به هم بیش از هر جای دیگر نزدیک می‌شوند و راه فلات ایران به دریای مدیترانه است. این شهر پایتخت قسمت شرقی دولت سلوکی

1. Appian
2. Pliny
3. Flavius Josephus
4. Isidore of charax
5. McDowll, R.
6. Aperghis, G. G.
7. Bert & Van Der Spek
8. Goodblatt, D.
9. Hadley, A. R.
10. Benech, C.

بود و ولیعهد وقتی که نیابت سلطنت را داشت، در این شهر اقامت می‌کرد. مصالح این شهر را از بابل آورده بودند و قسمتی از سکنه این شهر هم سامی بودند (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۷۴۲).

استرابو (کتاب ۱۶ بند ۵) درباره سلوکیه می‌نویسد: «بعد از آن که سلوکوس نیکاتور سلوکیه در کنار دجله را در نزدیکی بابل به فاصله ۳۰۰ استادیایی آن بنا کرد، نه فقط خود او، بلکه همه جانشینانش شدیداً علاقمند به سلوکیه بودند و اقامتگاه شاهی را به آنجا منتقل نمودند. سلوکیه در این زمان بزرگتر از بابل بود» (استرابو، ۱۹۲۹: ۱۹۹). استرابو در بند ۱۶ می‌افزاید که در زمان‌های باستانی بابل یک متروپولیس بود، اما اکنون سلوکیه یک متروپولیس است. در مجاورت سلوکیه روستای بزرگ تیسفون واقع بود که اقامتگاه زمستانی شاهان اشکانی بود. آن‌ها اهالی سلوکیه را ملاحظه می‌کردند و با اقامت در تیسفون مانع از ایجاد مزاحمت سربازان خود و قوم سکایی برای سلوکیه می‌شدند (استرابو، ۱۹۲۹: ۲۱۹).

دو شهر بزرگ بابل و سلوکیه نمی‌توانستند بدون زیان و خسارت در کنار یکدیگر بمانند. شهر کهنه ناگزیر می‌بایست عرصه را به همسایه نوبنیاد خود بگذارد. کوچ مردم بابل به سلوکیه موجبات حل مسأله جمعیت در این شهر را فراهم آورد و قشر پیشه‌وران و بازرگانان گسترشی قابل ملاحظه یافت. این کوچ به نظر می‌رسد که اجباری بوده و در تاریخ دوازدهم تشری (ماه هفتم) فرمانی جهت مسولان شهر بابل فرستاده شد و اهالی بابل به سلوکیه نقل مکان کردند (پیگولوسکیا، ۱۳۷۲: ۴۹). سلوکوس برای تاسیس سلوکیه در کنار دجله یک طرح عالی را در نظر گرفت. شهر در کنار رودخانه دجله در محل تلاقی کانال شاهی که شهر را به رودخانه فرات متصل می‌ساخت، بنا شد برای رقابت با اسکندریه در حدود ۵۵۰ هکتار دیوار در اطراف شهر کشیدند. اقامتگاه‌های سلوکیان و حاکمان بابل در این شهر قرار گرفته و آن را تبدیل به یک شهر مهم کرد. طبق برآورد پلینی جمعیت آن ۶۰۰۰۰۰ نفر بود (پلینی، ۱۸۵۵: ۷۳). احتمالاً این برآورد برای تراکم حدود ۱۱۰۰ نفر در هر هکتار خیلی زیاد است. چیزی که ارقام نشان می‌دهد موفقیت تاسیس را تایید می‌کند. مردمان زیادی به آنجا منتقل شدند و این شهر باعث جلب توجه یونانیان، مقدونیان، بابلی‌ها، یهودیان و سریانی‌ها شد. سلوکیه که به عنوان پایتخت در سال ۳۰۵ ق.م طراحی شده بود، با استحکاماتی محصور شده بود که در حدود ۵۵۰ هکتار می‌شد که پذیرای جمعیتی در حدود ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر بود که در حدود دو برابر شهرهای تتراپولیس سوریه بود. شواهدی از جابجایی برخی از ساکنان از شهرهای بابل، بوریسیا به سلوکیه دجله وجود دارد (برت، ۲۰۰۴: ۲؛ آپرگیس، ۲۰۰۴: ۹۴؛ و پلینی، ۱۸۵۵: ۷۳). منابع باستان تاریخ دقیقی برای تأسیس سلوکیه در کرانه دجله نمی‌دهند. لکرک سال ۳۰۰ ق.م را به عنوان یک تاریخ احتمالی پیشنهاد می‌دهد. اما بعداً نظریه‌های علمی دیگری با رد نظریه وی، هم سال ۳۱۲ ق.م را که سلوکوس کنترل بابل را از آنتیگونوس پس گرفت، و هم سال ۳۰۶ ق.م را زمانی که سلوکوس به پادشاهی رسید و قدرت خود را بر بسیاری از نواحی شرقی قلمرو

اسکندر اعمال کرد، مطرح شدند (هادلی، ۱۹۷۸: ۲۲۸). به هر حال زمانی که سلوکیه ساخته شد، برخی دشمنی‌ها یا مخالفت‌ها بین سلوکوس و بابلی‌ها بروز کرد. این مسأله از گزارش آپیان از تأسیس سلوکیه نشان داده می‌شود. زمانی که اشراف بابلی برای تأسیس سلوکیه یک روز میمون پیشنهاد دادند، آن‌ها این روز را بدیمن دانستند چون که آن‌ها نمی‌خواستند یک مرکز قوی علیه خود آن‌ها تأسیس شود. درحالی‌که سلوکوس منتظر یک زمان مناسب بود و سپاه او منتظر انجام کار بودند ناگهان در یک موعد مقرر آن‌ها دستور را شنیدند و با اشتیاق تمام کار را شروع کردند (آپیان، ۱۹۱۲: ۲۱۵ و هادلی، ۱۹۷۸: ۲۳۰). هادلی در نهایت به دلایلی مانند تهدیدهای آنتیگونوس تا سال ۳۰۱ ق.م، عدم توانایی سلوکوس از آوردن جمع کثیری از یونانی‌ها به شهر جدید برای تأسیس آن تا سال ۳۰۱ ق.م و وجود مخالفت و دشمنی بالقوه میان او و بابلی‌ها، نتیجه می‌گیرد که تأسیس شهر سلوکیه نمی‌تواند قبل از سال ۳۰۱ ق.م باشد و تاریخ پیشنهادی لکرک یعنی سال ۳۰۰ ق.م را قابل اعتماد می‌داند (هادلی، ۱۹۷۸: ۲۳۰).

با توجه به اظهار نظر پلینی با تأسیس سلوکیه توسط سلوکوس اول، بابل رو به ویرانی نهاد و خالی از سکنه شد. چنانچه او می‌گوید اشکانیان هم تیسفون را در نزدیکی سلوکیه ساختند تا آن را از اعتبار بیاندازند. گرچه اظهار نظر پلینی خیلی روشن نیست، اما آن غیرممکن نیست که هدف سلوکوس از تأسیس سلوکیه و زوال بابل این بود که رقیب سیاسی و اقتصادی آن را حذف کند. پوزانیاس هم می‌نویسد که با تأسیس سلوکیه در ساحل دجله و اقامت بابلیان در آنجا، سلوکوس دیوارهای بابل و معبد بلوس (بعل) را سالم نگه داشت و اجازه داد که کلدانی‌ها در آنجا بمانند. با توجه به سالنامه‌ها در سال ۲۷۵ ق.م آنتیوخوس گروه‌های دیگری از بابلیان را در سلوکیه اسکان داد. اما این اسکان مجدد به معنی خالی کردن بابل نبود (دیاکونوف، ۱۹۶۹: ۳۱۸ و ۳۱۹).

۳. اهمیت اقتصادی سلوکیه

موقعیت جغرافیایی خاص سلوکیه به خاطر قرار گرفتن در بین النهرین در ساحل غربی دجله، تلاقی جاده‌های مهم در این شهر که آسیای مرکزی و ایران را به آسیای صغیر و سواحل مدیترانه متصل می‌ساخت و استقرار سکنه توانمند یونانی و غیر یونانی که دارای مهارت و توانمندی‌های اداری و هنری و تجاری بودند، و نیز وجود ضرابخانه و کارگاه‌های تولیدی و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی در پیرامون آن، موجب رونق و شکوفایی اقتصادی این شهر از زمان تأسیس تا زوال آن شده بود. سلوکیه محل تلاقی راه‌های مهم ارتباطی و بازرگانی بود. یک راه اصلی از هند و باکتريا و آسیای مرکزی (جاده ابریشم) شروع می‌شد و با گذشتن از حاشیه دشت کویر از کوه‌های زاگرس عبور می‌کرد و به سلوکیه در کنار دجله می‌رسید. راه خشکی دیگری هم از هند شروع شده و پس از گذشتن از آراخوزیا و درنگیانا و کرمان و فارس به شوش می‌رسید و از آنجا به سلوکیه منتهی می‌شد

(آپرگیس، ۲۰۰۴: ۷۶). راه مهم دیگری خاراکس اسپاسینو را به سلوکیه متصل می‌کرد سکه‌هایی که در شوش پیدا شده بیشتر ضرب شده در شوش، سلوکیه و یا خاراکس اسپاسینو است که نموداری از رفت و آمد فراوان از این راه می‌باشد (کالج، ۱۳۸۵: ۷۱). کشتی‌های دریایی می‌توانستند رودخانه‌های فرات، دجله تا بابل، سلوکیه و شوش را طی کنند احتمالاً حجم زیادی از کالاها با کاروان‌هایی به سلوکیه حمل می‌شد که مهمترین مرکز تجاری در شرق بود. از سلوکیه کالاهای جمع شده از هند و عربستان به سوی غرب، انتاکیه و سپس به لائودیکیا و سلوکیه پیری در مرزهای مدیترانه حمل می‌شد و یا به سوی آسیای صغیر به بنادر اژه می‌رسید (آپرگیس، ۲۰۰۴: ۷۷). از سلوکیه طلا، عاج، ادویه، صمغ‌های خوشبو، سنگ‌های گرانبها و نیز محصولات خود بین‌النهرین گندم، جو، خرما، پشم و قیر از دو راه به سوریه حمل می‌شد: یکی در امتداد فرات از طریق دورا اورپوس و دیگری در امتداد دجله و از وسط دشت جزیره از طریق نصیبین و ادسا (رو، ۱۳۶۹: ۳۹۵). به نظر برت و اندر اسپک، سلوکیه با توجه به توانایی‌های اقتصادی و زمین‌های زراعی منطقه دجله برای جمعیت ساکن در آن طبق تخمین (پلینی) ۶۰۰۰۰۰ نفر، به آسانی می‌توانست توسط پس کرانه‌های خود تغذیه شود. علاوه بر این، سلوکی‌ها اراضی زیادی برای تولید محصولات کشاورزی و پرورش حیوانات ایجاد کردند و وابسته به واردات نبودند. وی از این داده‌ها نتیجه می‌گیرد که عراق میانی مخصوصاً دجله میانه و منطقه دیاله دوره‌ای از آبادانی و آبیاری و افزایش محصولات کشاورزی در دوره سلوکی‌ها را تجربه کرده است و همچنین اهالی سلوکیه و بابل می‌توانستند توسط پس کرانه‌های خود تغذیه شوند و اگر ما بالاترین برآورد جمعیت را هم در نظر بگیریم، واردات مواد غذایی غیرضروری به نظر می‌رسد (برت، ۲۰۰۴: ۴ و ۵). سلوکیه بر کران دجله به منزله پایانه جهت تجارت با ایالات شرقی از راه خشکی و همچنین جهت تجارتی بود که از طریق خلیج فارس انجام می‌گرفت و انتظار می‌رفت که تجارت دریای احمر را که در دست بطالسه بود از میان ببرد (رایسنس، ۱۳۷۰: ۴۶۳).

۴. ضرابخانه سلوکیه

یکی از کارکردهای اقتصادی مهم سلوکیه وجود ضرابخانه در آن بود که از زمان سلوکیان و پس از آن در دوره اشکانیان فعال بود و این مسأله بر اهمیت و توانایی‌های اقتصادی و سیاسی آن می‌افزود. سکه‌هایی که در ضرابخانه‌های این شهر ضرب می‌شد در اقصی نقاط قلمرو سلوکی و اشکانی رواج داشت. این مسأله بیانگر توانایی‌های اقتصادی این شهر و مهارت سکنه آن در ضرب سکه‌ها بود. زمانی که اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م درگذشت تنها ضرابخانه بابل و شاید شوش در سراسر بین‌النهرین و ساتراپی‌های علیا وجود داشت. یک ضرابخانه مهم توسط سلوکوس اول در سلوکیه دجله تأسیس شد. ضرابخانه‌های دیگری هم به تدریج دایر شد (آپرگیس، ۲۰۰۴: ۲۱۴). سلوکیه تنها

ضرابخانه شاهنشاهی اشکانی بود که نقش ضرب سکه را دنبال کرد. تاریخ این سکه‌ها در دوره مهرداد اول ظاهر می‌شود که بعد از سال ۱۴۱ ق.م است. در این زمان تترادراخم‌ها، هم ماه و هم سال ضرب را نشان می‌دهند. در نیم قرن بعدی بکار بردن تاریخ در سکه‌ها یک عمل تغییرناپذیر در ضرابخانه سلوکیه شد. گرچه این ایده در اصل بوسیله ضرابخانه‌های فینیقی مطرح شد، ولی سلوکیه تکنیک بکارگیری سکه‌های تاریخ‌دار و همچنین محل ضرب سکه‌ها را بکار برد و در زمان‌های معینی تترادراخم‌های اشکانی به همین شکل ضرب می‌شد. همچنین ضرابخانه‌های سلوکیه در زمان اشکانیان تقویم بابلی بکار می‌بردند چون که شواهد موجود حاکی از این سیستم محاسبه و برآورد به عنوان یک استاندارد در زمان اشغال بابل بدست آن‌ها را دارد (مکداول، ۱۹۳۵: ۱۴۷ و ۱۴۸). سکه‌های چهار درهمی اشکانیان منحصراً در ضرابخانه سلوکیه ضرب می‌شدند که آداب و فرهنگ یونانی در آنجا حاکم بود (سرافراز و آوزرمانی، ۱۳۷۹: ۲۸). از مهرداد اول سکه‌هایی از نوع سکه‌های دوران سلوکی در سلوکیه موجود است. از این زمان تا آخر دوره شاهنشاهی اشکانی سکه‌های متعددی از همه شاهان اشکانی ضرب سلوکیه موجود است. اغلب قریب به اتفاق چهار درهمی‌های اشکانی در این شهر زده شده است (مکداول، ۱۹۳۵: ۲۱۷). ضرابخانه سلوکیه پول مورد نیاز بسیاری از نواحی پیرامون خود را تامین می‌کرد. در دورا اورپوس تترادراخم‌ها و دراکم‌های اشکانی به همراه تعداد زیادی از سکه‌های مستقل و برنزه‌های شاهی پیدا شده است که از ضرابخانه سلوکیه فراهم می‌شد. در شرق بین‌النهرین این تأثیر بیشتر بود. تعداد زیادی سکه‌های برنزی مستقل از ضرابخانه سلوکیه در شوش و سکه‌هایی هم در بابل پیدا شده که از ضرابخانه سلوکیه است (مکداول، ۱۹۳۵: ۱۸۰).

۵. ساختار اجتماعی و تنوع قومی در سلوکیه

یکی از ویژگی‌های مهم سلوکیه تنوع و تکثر قومی و جمعیتی آن بوده است. نویسندگانی مانند تاسیتوس و ژوزفیوس فلاویوس به این موضوع پرداخته‌اند. از زمان تاسیس آن در دوره سلوکیان، شمار زیادی از یونانی‌ها و مقدونی‌ها در این شهر ساکن شده و به تدریج موقعیت و جایگاه برتری را به خود اختصاص دادند. علاوه بر یونانی‌ها، گروه‌های قومی دیگری مثل بابلی‌ها، یهودیان، ایرانی‌ها و آرامنه و سریانی‌ها هم در این شهر حضور داشتند که از نظر اجتماعی در مراتب پایین‌تری از یونانی‌ها بودند. همین مسأله موجب نارضایتی و بروز تضادها و کشمکش‌های قومی در این شهر می‌شد و شاید یکی از دلایل مهم زوال آن، همین مسأله بود.

سلوکیه به عنوان یک مرکز مهم و اساسی در شرق برای نگه داشتن فرهنگ هلنیسم و تجارت تأسیس شده بود و در زمان خود بزرگترین شهر بود چون که مرکز تجارت جهانی بین مدیترانه و ایران و شرق دور بود. گروه‌های برجسته در شهر اشرافیت بودند که عمدتاً متشکل از بازرگانان و بانکداران یونانی بودند. هرچند بخش عمده‌ای از ساکنان شهر بدون شک بابلی‌هایی بودند که از

ناحیه اوپیس و بابل آمده بودند، یهودیان هم یک عامل مهم دیگر بودند (مکداول، ۱۹۳۵: ۲۱۷). اهالی شهر از مردمان مختلف ترکیب شده بود و یونانی‌ها از حیث نفوذ بر دیگران برتری داشتند. سکنه آسیایی در این شهر زیاد بود و مردمانی مانند سریانی‌ها، پارسی‌ها، آرامنه و هندی‌ها در اینجا اقامت داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۷۴۲). جناح بندی و دسته بندی‌های مختلفی از اقوام گوناگون در سلوکیه وجود داشت که در تعادل قدرت و روابط شهر با حکومت مرکزی تأثیری گذاشت و بعضاً رقابت و درگیری میان این گروه‌ها صورت می‌گرفت و یا منجر به سازش گروه‌ها علیه همدیگر می‌شد. ژوزفیوس فلاویوس به این دسته بندی‌ها و کشتار و قتل عام یهودیان این شهر و همچنین از گروه بندی‌های موجود در آن حکایت می‌کند. رقابت و درگیری میان یونانی‌ها و بابلی‌ها (سریانی‌ها) را شامل می‌شد که یونانی‌ها در اکثریت و موقعیت برتری بودند. زمانی که شماری از یهودیان وارد سلوکیه شدند و از سریانی‌ها (بابلی‌ها) حمایت کردند تعادل قدرت تغییر کرد و با این قدرت جدید ایجاد شده توسط یهودیان و بابلی‌ها، یونانی‌ها تصمیم به برقراری صلح با آن‌ها گرفتند. این تلاش موفقیت‌آمیز بود و این دو وحدت سپس علیه یهودیان شد و منجر به قتل عام آن‌ها گردید (ژوزفیوس فلاویوس، ۲۰۰۱: ۷۷۴؛ گودبلیت، ۱۹۸۷: ۶۰۵).

تاسیتوس هم در گزارشی به این جناح بندی‌ها در سلوکیه اشاره کرده است. فحوای کلام تاسیتوس، تلاش تیرداد به کمک رومی‌ها برای بازگشت به تخت شاهی و گرفتن آن از اردوان دوم اشکانی در سال ۳۶ میلادی است. سلوکیه از سوی مجلس سنا اداره می‌شد. سیصد نفر «بر پایه ثروت و خرد و به دیگر سخن دارایی و دانایی» انتخاب می‌شدند. تاسیتوس چنین عقیده داشت که آن‌ها مظهر نیروی مردم و ضامن آن بودند. به سهولت می‌توان دریافت که این عده اشراف و بزرگانی بودند که اداره امور شهر را بر عهده داشتند. هنگامی که اختلافی در کار نبود آن‌ها بدون تکیه به اشکانیان (که مقصود پادشاه است) از عهده اداره امور برمی‌آمدند ولی به هنگام بروز اختلاف هر یک از آنان سعی داشتند در دستگاه شاهی تکیه‌گاهی دست و پا کنند (تاسیتوس، ۱۹۵۲: ۹۷). گزارش تاسیتوس و ژوزفیوس علی‌رغم ابهام‌هایی که دارند، هر دو به یک زمان برمی‌گردند. مسأله سلوکیه در زمان اردوان دوم بوده است. هم تاسیتوس و هم ژوزفیوس از شهری سخن می‌گویند که بین دو گروه تقسیم شده بود. تنها مداخله یک گروه سوم می‌توانست تعادل قدرت را ایجاد کند (بوسيله یهودیان یا شاه اشکانی). در هر دو گزارش رقابت دو حزب با هم وجود داشت که (یا منجر به کشتار یهودیان شده و یا مانع حفظ قدرت شاه اشکانی) می‌شد. البته در گزارش ژوزفیوس رقابت حزبی میان یونانی‌ها و سریانی‌ها بود در حالیکه در گزارش تاسیتوس بین سنا یا اشراف از یک سو و مردم از سوی دیگر بود. به هر حال ژوزفیوس و تاسیتوس هر دو کشمکش‌های شهر سلوکیه را توصیف می‌کنند (گودبلیت، ۱۹۸۷: ۶۰۶).

نمی‌توان به سادگی شواهد موجود از تبعیض نژادی و قومی در سلوکیه را که از سوی یونانی‌ها اعمال میشد را نادیده گرفت. در پولیس‌هایی که توسط جانشینان اسکندر در شرق تأسیس شده بود (مانند سلوکیه) در آن تعداد انبوهی از بومیان بودند که از حقوق شهروندی محروم بودند. شواهد درباره ترکیب و شکل‌بندی قومی سلوکیه از دیگر منابع کلاسیک متفق‌القول نیستند. اغلب آن‌ها از نظر ژورفیوس حمایت می‌کنند. لیوی با پافشاری تأکید می‌کند که مقدونی‌های سلوکیه در زمان حاکمیت اشکانیان زوال یافته بودند (لیوی، ۱۹۳۶: ۵۸-۵۹). اما تاسیتوس نظر مخالف آن را دارد. او گزارش خود از کشمکش‌های جناحی در سلوکیه را به تفسیری سوق می‌دهد که شهر به سلوکوس پایه‌گذار آن وفادار مانده بود، نه اینکه شهر به نفع بومیان زوال یافته باشد. قبل از آن هم پلینی به آداب و رسوم مقدونی در شهر سلوکیه اشاره کرده بود و در قرن سوم میلادی دیون کاسیوس نوشت که: «حتی امروز هم سلوکیه یک شهر یونانی مانده است» (گودبلت، ۱۹۸۷: ۶۰۸).

۶. نظام سیاسی-اداری شهر سلوکیه

سلوکیه از جمله شهرهایی بود که از زمان تأسیس آن دارای حقوق و امتیازاتی همانند شهرهای پولیس بود و ساختار سیاسی و اداری آن تا اندازه‌ای مشابه شهر- دولت‌های یونانی بود. از آنجا که این شهر بعنوان پایتخت انتخاب شده بود و سلوکیان برای رشد و توسعه آن، سکنه توانمندی از یونانیان و عناصر دیگر در آن سکنی داده بودند، برای جلب رضایت و حمایت آنان از خود، امتیازات و آزادی‌های خاصی هم به این شهر داده بودند و می‌توان گفت که این شهر در اداره امور خویش خودگردان بود. منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناسی و سکه‌شناسی هم بر این نکته تأکید و اشاره دارند. شهرهای سلوکی سازمان‌های پولیسی داشتند که عبارت بود از یک مجلس ملی مرکب از شهروندان متساوی‌الحقوق شورای منتخب شهری و کلانتران منتخب. هیئت منتخبین شهر نه تنها حق داشتند در امور اجتماعی مربوط به شهر دخالت کنند بلکه می‌توانستند بر اساس حقوق مالکیت خصوصی مالک ارضی نیز بشوند. در اطراف شهر اراضی وجود داشت که متعلق به شهر بود. ده‌نشینانی که در این اراضی سکونت داشتند مالیات‌های منظم و مرتب خود را به خزانه شهر پرداخت می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۲۵؛ مشکور، ۱۳۷۱: ۸۵).

سلوکیه در کنار دجله هم از حقوق پولیس برخوردار بود. این شهر از سوی مجلس سنا اداره می‌شد. سیصد نفر بر پایه ثروت و خرد و بدیگر سخن‌داری و دانایی انتخاب می‌شدند. تاسیتوس چنین عقیده داشت که آن‌ها مظهر نیروی مردم و ضامن آن‌ها بودند. به سهولت می‌توان دریافت که آن‌ها اشراف و بزرگانی بودند که اداره امور شهر را بر عهده داشتند. هنگامی که اختلافی در کار نبود آن‌ها بدون تکیه به اشکانیان از عهده امور برمی‌آمدند، ولی به هنگام بروز اختلاف هر یک از آن‌ها سعی داشت که در دستگاه شاهی تکیه‌گاهی پیدا کند (تاسیتوس، ۱۹۵۲: ۹۷). البته طرز اداره پولیس‌های سلوکی کامل و جامع نبود و از حدود زندگانی داخلی شهر خارج نمی‌شد. مثلاً مسائل

مربوط به روابط خارجی کلاً در صلاحیت و اختیار پادشاه بود. اغلب از شهرها علاوه بر ادارات و مأمورین مخصوص بخود مأمورینی داشتند که ممکن بود انتخاب شوند ولی در محل بمنزله نماینده قدرت و نفوذ پادشاه محسوب می‌شدند و مراقب بودند که منافع و مصالح شخصی پادشاه در شهرها مراعات شود. این مأموران را اپیستات (Epistat) می‌خواندند. علاوه بر آن در پولیس‌ها امکان داشت پادگان‌های پادشاهی نیز بدون هیچ مانعی تأسیس گردد. شهرها مستقیماً در تحت اطاعت شخص پادشاه بودند نه ساتراپ‌ها و در صورت بروز اختلافاتی که با منافع شهر ارتباط داشت می‌توانستند مستقیماً با شخص پادشاه تماس بگیرند و برای انجام این کار سفرا و نمایندگان خویش را به نزد او می‌فرستادند. پادشاه نیز به نوبه خود بوسیله مأمورین خود برای شهرها فرمان نمی‌فرستاد بلکه نامه‌ای خطاب به مجلس ملی و شورای شهر یا کلانتران ارسال می‌داشت و در آن نامه نظریات و تمنیات خود را درباره مسائل مختلف بیان می‌کرد (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۲۵؛ مشکور، ۱۳۷۴: ۸۵).

۷. شورش سلوکیه در زمان اردوان دوم اشکانی

یکی از رخدادهای مهمی که در سال‌های پایانی حاکمیت اردوان دوم اتفاق افتاد، شورش سلوکیه بود که دست‌کم هفت سال (۳۶-۴۲ م) طول کشید. علل و پیامدهای این شورش دراز مدت و ناتوانی اشکانیان در سرکوبی آن، از مهمترین موضوعاتی است که نیازمند تحلیل و بررسی است. به نظر می‌رسد که تغییر نگرش تدریجی اشکانیان نسبت به شهرهای یونانی‌نشین همچون سلوکیه، تنوع و تضاد و درگیری‌های قومی در این شهر، کاهش اعتماد و بی‌توجهی اشکانیان نسبت به عناصر یونانی در این شهر و تقویت سیاست ایرانگرایی از زمان اردوان دوم که منجر به برهم زدن نهادهای سیاسی اجتماعی و ترکیب جمعیتی موجود در این شهرهای یونانی‌نشین و مداخله در امور داخلی این شهرها مانند سلوکیه گردید، از مهمترین علل این شورش می‌باشد. سیاست‌های اردوان دوم آشکارا خصلت ضد یونانی داشت به گمان ولسکی می‌توان منشاء این امر را نه فقط در این واقعیت جستجو کرد که یونانیان ساکن در شهرهای بین‌النهرین و بابل جانب روم را گرفته و گروه‌های هوادار روم بسیار زیادی در این شهرها می‌زیستند، بلکه باید به کاهش عنصر تدریجی در این سرزمین‌ها نیز جستجو کرد و همین اردوان را تحریک می‌کرد تا با عزمی استوار مداخله کند. مهارت سیاسی اردوان و جهت گیری ایران گرایانه قاطع او باعث اعمال روش‌هایی می‌شد که مستلزم انقیاد هر چه بیشتر شهرهای یونانی نسبت به اراده شاه بود. این امر را در مورد شهرهای شوش و سلوکیه می‌توان دید که بیشترین تعداد یونانیان در حکومت اشکانیان را داشت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۷۶ و ۱۷۷). سلوکیه که در سابق حق ضرب سکه داشت، اردوان در سال ۳۷ میلادی از ضرب مسکوکات محلی جلوگیری کرد و به ضرب سکه بنام خود پرداخت. مردم سلوکیه به تحریک دولت روم علیه دولت مرکزی ایران مقاومت

کرده و در نتیجه بازرگانان و کسبه آن شهر که طبقه نیرومندی بودند شورش کرده و اعلام استقلال نمودند (مشکور، ۱۳۷۴: ۳۱۱).

در روزگار اردوان دوم، سلوکیه در عمل از حقوق خود محروم بود. اداره امور شهر احتمال می رود همانند شیوه اداره آن دسته از شهرهای اشکانی بود که در موقعیت پولیس قرار نداشتند. جلوس تیرداد بر تخت شاهی با شور و هیجان و اقبال و ناسزاگویی نسبت به اردوان همراه شد. چنین به نظر می رسد که اهالی سلوکیه می کوشیدند تا حقوق از دست رفته خود را بازیابند. به قول تاسیتوس « تیرداد فرمان داد که وضع اهالی سلوکیه مورد رسیدگی قرار گیرد». به دیگر سخن شیوه اداره پیشین از سوی تیرداد به شهر سلوکیه بازگردانده شد. چنین به نظر می رسد که در عهد اردوان شیوه اداره پولیسی شهر سلوکیه متوقف شده بود. چون قانونی در زمینه لغو شیوه اداره پولیسی شهرها وجود نداشت. زیرا برای تیرداد بازگرداندن حقوق پولیسی گذشته و خودمختاری به شهر و اجازه دادن به مردم در مداخله جهت اداره شهر به آسانی صورت گرفت (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۹۵؛ تاسیتوس، ۱۹۵۲: ۴۲). برخی محققان بحث می کنند که آنچه که به واقع در سلوکیه بود، یک کشمکش بین دو سازمان یا نهاد سیاسی مجزا بود. این گمان بر نظر تارن متکی است که ساکنان غیر یونانی پولیس می توانست مطابق با استقلال و خودمختاری ملی یا انجمن شورای شهری معروف به پولیتوما (Politeuma) سازماندهی شود. پولیس طبیعتاً منحصر به شهروندان یونانی بود در حالیکه غیر یونانی ها می توانستند در پولیتوما عضو شوند این پولیتوما شناخته شده در سلوکیه متشکل از خارجی ها بود نه بومیان. هیچ موردی دیده نمی شود که ساکنان بومی در یک شهر و یا پولیس حقوقی به عنوان پولیتوما داشته باشند (گودبلت، ۱۹۸۷: ۶۱۰). در سلوکیه ما با شهری مواجه هستیم که شهروندان آن عمدتاً متشکل از یونانی ها و مقدونی بود. علاوه بر این گروه اندکی از بابلی ها هم بودند که به عنوان شهروند پولیس شده بودند. اگر فرض کنیم که خانواده های اصیل یونانی مقدونی عضو سنای سلوکیه بودند، بابلی های یونانی شده هم می توانستند جایگاهی در دموس داشته باشند و یا عضو انجمن شهری شوند و اگر آن ها از توانایی جسمی و عقلی برخوردار بودند، می توانستند یک نیروی عمده در حزب مردم باشند. این وضعیت را می توان از گزارش تاسیتوس هم استنباط کرد. تاسیتوس می نویسد که اعضای سنای سلوکیه بر اساس خرد و سلامت انتخاب میشدند. در قرن اول میلادی تعدادی از خانواده های اصیل یونانی و مقدونی احتمالاً صلاحیت جسمانی و عقلانی نداشته در حالیکه برخی از بابلی های یونانی شده از این صلاحیت برخوردار بودند (گودبلت، ۱۹۸۷: ۶۱۴).

در سال ۳۷ میلادی اهالی سلوکیه دست به شورش زدند و شهر حدود هفت سال از تابعیت شاه بیرون ماند. ضرب سکه های شاهی در سلوکیه متوقف شد و سکه های ویژه ای در این زمان ضرب گردید (مکداول، ۱۹۳۵: ۱۴۱). اردوان زمانی که مجدداً به قدرت بازگشت برای فرو نشاندن شورش

سلوکیه آن را در محاصره گرفت ولی مدت هفت سال شهر همچنان در حال طغیان باقی ماند و بر اثر دفاع سختی که مردم شهر از خود می‌کردند اردوان تا هنگام مرگ خود موفق به تسخیر مجدد شهر و فرو نشانیدن طغیان آن نشد. اردوان که موفق به سرکوبی شورش سلوکیه نشد، در حدود ۳۸ م درگذشت و وردان اول پسر او (۳۹-۴۵ م) بر تخت نشست. وردان برای تحکیم پایه‌های سلطنت خود می‌بایست شهر دارالضرب، سلوکیه را مسخر و تحت انقیاد خویش در می‌آورد و آنرا محاصره میکرد. البته موقعیت شهر بواسطه دیوارهای حصین و موانع طبیعی مانند رودخانه و کانالها و کثرت آذوقه طوری بود که تسخیر آن شهر به سهولت میسر نمی‌شد. گویا وردان در شهر تیسفون جای گرفته و آنجا را مرکز عملیات خود قرار داده باشد. گودرز (۵۱-۴۴/۴۳ م) که مدعی تاج و تخت بود و از قبایل داها و اهالی هیرکانی امداد گرفته بود. وردان ناگزیر از محاصره سلوکیه در سال ۳۹ م دست برداشته و دو برادر نهایتاً با هم سازش نمودند و وردان بر تخت نشست. در ماه ژوئن ۴۲ م وردان به شهر سلوکیه تاخت و به کمک طبقه اشراف که طرفدار او بودند به آن شهر حمله کرد و سلوکیه ناگزیر تسلیم شده و شورش که مدت هفت سال طول کشیده بود در آن تاریخ خاتمه یافت (دبواز، ۱۳۴۲: ۱۴۶؛ تاسیتوس، ۱۹۵۲: ۱۰۲-۹۷).

۸. زوال سلوکیه

شورش سلوکیه و خودپسندی اهالی آن باعث شد که از حسن نیت فرمانروایان نسبت به این شهر یونانی به مقدار زیادی کاسته شود. می‌توان پذیرفت که وقتی بلاش اول شهر بلاشگرد را بنا کرد چنین در نظر داشت که با ایجاد رقیبی برای سلوکیه آنرا از اهمیت بیاندازد (گوتشمید، ۱۴۸ و ۱۴۹). محققان یکی از دلایل زوال سلوکیه را تأسیس شهر جدید بلاشگرد توسط بلاش اول (۵۱-۸۰ م) می‌دانند. به نظر می‌رسد که با روی کار آمدن بلاش، سیاست ایرانگرایی اشکانیان تقویت شده است. یکی از دلایل این امر شاید شورش اهالی سلوکیه و از میان رفتن حس اعتماد اشکانیان نسبت به عنصر یونانی باشد. ساختن شهر بلاشگرد در نزدیکی شهر سلوکیه، که قرار بود جای سلوکیه در حال زوال را بگیرد در راستای همین هدف انجام گرفت. چنانکه از نام آن نیز بر می‌آید، بلاش می‌خواست نقش برتر عنصر ایرانی را نشان دهد. وانگهی این نیز منتفی نیست که شاهان اشکانی - البته نه به شدت شاهان ساسانی - درصدد ایجاد مراکز بزرگ شهری با خصلت ایرانی بوده اند تا آن‌ها را جانشین شهرهای یونانی رو به انحطاطی کنند که دیگر قادر به ایفای نقش پیشین خود نبودند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۵؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۶۵). یکی دیگر از دلایل تأسیس بلاشگرد، اهمیت تجاری و بازرگانی بود. ظاهراً قصد بلاش از ساختن این شهر نوین آن بوده که یک مرکز تجاری بجای شهر قدیم سلوکیه تأسیس کند. زیرا کشمکش و نزاع‌های داخلی بین مردم آن شهر مانع از حسن جریان بازرگانی می‌شد و غالباً اهالی آنجا بر خلاف اوامر شاهنشاه قیام می‌کردند.

انحطاط و سقوط شهر سلوکیه پیوسته رو به ازدیاد بود تا آنکه در قرن دوم میلادی به کلی ویران گردید و علت این امر همانا انحراف شاهراه تجارته به سوی شهر نوین بلاشگرد بود (دبواز، ۱۳۴۲: ۱۸۲ و ۱۸۳). از دلایل مهم دیگر زوال سلوکیه، هجوم رومیان به این شهر و تخریب آن در طی لشکرکشیهای خود به بین‌النهرین بوده است. ویرانی و آتش‌سوزی شهر سلوکیه بدست سپاهیان رومی به فرماندهی تراژن (ترایانوس) در ۱۱۶ م و کاسیوس در ۱۶۵ م ضربه‌های سخت برای زوال آن بود (ورستندیگ، ۱۳۸۶: ۳۸۸؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۰). به هنگام لشکرکشی دیوکاسیوس هم قسمت عمده شهر سلوکیه طعمه آتش و ویران شد. این حمله در سال ۱۶۵ م بوده است. اینکه آیا در طی این یورش همه شهر به کلی ویران شده باشد بعید به نظر می‌رسد. زیرا در نوامبر ۱۶۶ م بار دیگر در آنجا سکه ضرب می‌شود. با اینهمه انهدام فقط بخشی از این مرکز هلنیستی شرق باستان هم بویژه باید برای تمدن یونان ضربه مهلکی بوده باشد. در سال ۱۶۵ بیماری همه‌گیر آبله و یا احتمالاً طاعون در سلوکیه شیوع یافت (شیپمان، ۱۳۸۴: ۷۳؛ گوتشمید، ۱۳۸۸: ۱۷۲). کاسیوس پس از تصرف بابل شهر سلوکیه را که در این هنگام چهارصد هزار نفر سکنه داشت را محاصره کرد و آنرا گرفته بسوخت تا اهالی آنرا از جهت خیانتی که کرده بودند تنبیه کرده باشد. این خیانت چه بوده معلوم نیست. رومی‌ها این بار بر اثر شیوع طاعون شکست خوردند. در اثر این طاعون بسیاری از اهالی سلوکیه هم از میان رفتند (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۰۴۵، ۲۰۴۴). به نظر می‌رسد که انهدام کامل و قطعی شهر سلوکیه در زمان ساسانیان صورت گرفته باشد. این شهر که در همان روزهای آغازین قدرت‌یابی ساسانیان توسط اردشیر اول ساسانی (۲۲۶-۲۴۲ م) گشوده شد، به شهر شاهی مبدل گردید و نام آن به «ویه اردشیر» تغییر یافت. سلوکیه و تیسفون بعدها بنام واحد مدائن خوانده شدند. پس سلوکیه هم جزء هفت شهر مدائن بود. شهرهای تیسفون و سلوکیه یعنی پایتخت‌ها در ناحیه سورستان واقع بود. این گفته‌ها را می‌توان چنین تعبیر کرد که افول و عروج سلوکیه و تیسفون با یکدیگر نسبت مستقیم داشت. بدین معنی که هر چه بر اعتبار تیسفون افزوده می‌شد، از رونق دیگری کاسته می‌شد. ولی آن نیز به دلیل استحکام فرهنگی و اقتصادی گذشته و نیروی سیاسی باز مانده، همچنان به حیات خود ادامه می‌داد و جز دجله حائلی بین آن دو موجود نبود (بیانی، ۱۳۷۷: ۳۰).

۹. نتیجه گیری

به نظر می‌رسد که تأسیس شهرهای یونانی مانند سلوکیه در قلمرو حکومت‌های ایرانی توانست چندین قرن در حوادث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌های سلوکی و اشکانی تأثیرگذار باشد. سلوکیه به عنوان تکیه‌گاه مهمی برای سلوکیان و نیز الگویی برای سایر شهرهای یونانی در ایران گردید. زمانی که اشکانیان به قدرت رسیدند، شاید بنا بر مصلحت ساختار سیاسی و نیز استفاده از

توانمندی‌های این قبیل شهرها ابتدا تمایل چندانی برای برهم زدن ساختار این شهرها نداشتند و با آن‌ها سازگاری داشته‌اند. برای همین، سلوکیه همچنان موقعیت ممتاز خود را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حفظ نمود. اشکانیان بتدریج و با استحکام قدرت خود، نسبت به این شهر یونانی‌نشین تغییر سیاست داده و سعی در کنترل آن نمودند. این تغییر روش دلایل خاصی داشت. حمایت سکنه یونانی این شهر از فرمانروایان سلوکی در برابر شاهان اشکانی و کمک به آن‌ها، مداخله در رقابت‌های خاندان اشکانی برای کسب قدرت و حمایت از رقبای شاهان اشکانی و پناه دادن به آن‌ها، تنوع قومی و نژادی و درگیری و تنش بین آن‌ها و حس برتری جویانه یونانیان نسبت به سایر گروه‌ها قومی، خودسری و طغیان در برابر دولت اشکانی، تبلیغ و اشاعه فرهنگ یونانی موجب بدگمانی اشکانیان نسبت به این شهر گردید. در زمان اردوان دوم سیاست شدیدتری نسبت به این شهر اعمال گردید و از خوگردانی و حقوق و امتیازات آن کاسته شد. این مسأله بیانگر این است که با تغییر نگرش اشکانیان نسبت به شهرهای خودگردان و کاستن از امتیاز استقلال آن‌ها، زمان برای پایان بخشیدن به نقش آفرینی و تأثیرگذاری این شهرها همچون سلوکیه در تحولات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی فرا رسیده بود. هر چند عواملی دیگری همچون تهاجم مکرر رومی‌ها و تأسیس و رشد و آبادانی شهرهای جدیدی مانند تیسفون، بلاشگرد و وه اردشیر که در مجاورت سلوکیه بنا شدند هم، زوال این شهر مهم را شدت بخشید. روی کار آمدن دولت ساسانی هم آخرین ضربه بر زوال این شهر بود. همانگونه که با تشکیل دولت سلوکی سلوکیه جای بابل باستانی را گرفت و آنرا از اعتبار انداخت، با روی کار آمدن ساسانیان هم با بنای شهرهای جدید مانند وه اردشیر و توسعه و پیشرفت شهر تیسفون با شهرهای اقماری آن و پایتختی آن، سلوکیه را از اعتبار انداخت و وه اردشیر جایگزین این شهر باستانی گردید.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۱). *دارالتیجان فی تاریخ بنی اشکان*. تهران: اطلس.
- براند جورج، فیلیپ (۱۳۷۷). *امپراتوری جهانی ایران* (مترجم: وحید عسکرانی). تهران: امیرکبیر.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۷). *تیسفون و بغداد درگذر تاریخ*. تهران: جامی.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۶). *ایران باستان*. تهران: نگاه.
- پیگولوسکایا، ن (۱۳۷۲). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان* (مترجم: عنایت‌الله رضا). تهران: علمی فرهنگی.
- دبواز، نیلسون (۱۳۴۲). *تاریخ سیاسی پارت* (مترجم: علی اصغر حکمت). تهران: ابن سینا.
- دیاکونوف، میخائیل (۱۳۵۱). *اشکانیان* (مترجم: کریم کشاورز). تهران: پیام.
- میخایلوویچ دیاکونوف، میخائیل (۱۳۸۲). *تاریخ ایران باستان* (مترجم: روحی ارباب). تهران: علمی فرهنگی.
- رابنسن، چارلز الکساندر (۱۳۷۰). *تاریخ باستان ازدوران پیش از تاریخ تا مرگ یوستی نینوس* (مترجم: اسماعیل دولت‌شاهی). تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- رو، ژورژ (۱۳۶۹). *بین‌النهرین باستان*. (مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی). تهران: آبی.
- سامی، علی (۱۳۸۸). *تمدن ساسانی*. تهران: سمت.
- سرافراز، علی اکبر؛ و آورزمانی، فریدون (۱۳۷۹). *سکه‌های ایران*. تهران: سمت.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*. (مترجم: هوشنگ صادقی). تهران: فرزانه روز.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ ساسانیان* (مترجم: کیکاووس جهانداری). تهران: فرزانه روز.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۵). *اشکانیان*. (مترجم: مسعود رجب نیا). تهران: هیرمند.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴). *پایتخت‌های ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- گوتشمید، آلفرد فن (۱۳۸۸). *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان* (مترجم: کیکاووس جهانداری). تهران: ققنوس.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*. تهران: سمت.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۴). *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان*. پارت‌ها یا پهلویان قدیم. تهران: دنیای کتاب.
- ورستندینگ، آندر (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان* (مترجم: محمود بهفروزی). تهران: جامی.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳). *شاهنشاهی اشکانی* (مترجم: مرتضی ثاقب‌فر). تهران: ققنوس.
- Aperghis, G. G. (2004). *The Seleucid Royal Economy: The Finances and Financial Administration of the Seleucid Empire*. London: Cambridge university press,
- Appian (1912). *Roman History*, Translated by Horace White. London.
- Bert (R.J) Vander Speck, (2004). *Feeding Hellenistic Seleucia on the Tigris and Babylon*. Athens, October.

- Diakonoff, M. I. (1969). *Ancient Mesopotamia Socio-Economic History*. Moscow.
- Engers, M. (1938). "The Letter from the Parthian King Artabanus III to the Town of Susa". *Mnemosyne, Third Series*, 7 (2).
- Goodblatt, D. (1987). "Josephus on Parthian Babylonia (Antiquities XVIII, 310-379)". *Journal of the American Oriental Society*, 107 (4).
- Hadley, A. R. (1978). "The foundation Date of Seleucia-on-the-Tigris". *Historia fur Alte Geshichte*, 27 (1).
- Josephus, F. (2001). *The Antiquities of the Jews*, Translated by William Whiston. World eBook Library Collection.
- Livy (1936). *History of Rome*, with an English translation by Evan T. London: Sage.
- Mc. Dowll, R. (1935). *Coins from Seleucia on the Tigris*. Ann Arbor.
- Pliny (1855). *The Natural History*, translated by John Hostock and H.T. London: Riley.
- Strabo (1929). *The Geography*, with an English translation by Horace Leonard Jones Cornell University, in eight volumes. London.
- Tacitus (1952). *the Annals and the Histories*. Chicago: The University of Chicago.

